

# اطلاعیه سازمان عفو بین الملل

## پروامون

دستگیری دست اندرکاران مجله علمی "فارد"



شماره ۳۷۷، دوره هشتم،  
سال هشتم، ۱۹ خرداد ۱۳۷۱

### سیل و طغیان رودخانه ها

در ۱۷ استان کشور  
زیانهای جبران ناپذیر  
به بار آورد!

سراسر زمستان گذشته را توده مردم از کمبود سوخت زمستانی رنج بردند و در حالی که درگیر انواع محرومیت ها و حق کشی ها بودند، اوقات خود را در سرما و برف و توفان، در صف های نفت گذراندند. با این همه دل خوش داشتند که سرانجام زمستان با همه بدبختی هایش می گذرد و ننگ و روسیاهی بر چهره دست اندرکاران بی اعتنا به سرنوشت توده ها همچنان باقی می ماند. زمستان گذشت، بهار آمد، سبزه دمید، شکوفه ها باز شدند، پرنده ها بازگشتند، اما بدبختی بزرگ تازه ای که بر روی همه بدبختی ها انباشته می شد، از راه فرا رسید: برف و باران و تگرگ و توفان و سرمای شدید و یخبندان نابینگام، همراه با سیل ها و طغیان آب رودخانه ها در بیشتر مناطق شهری و روستایی کشور، شادی ادامه در ص ۲

- سازمان عفو بین الملل نگرانی خود را از محاکمه غیر قانونی ناصر عربها و همکارانش در دادگاه انقلاب اسلامی اعلام می دارد.
  - سازمان عفو بین الملل از مسئولان دولت ایران خواسته است که موضع حقوقی بازداشت شدگان مشخص گردد.
- ص ۲

## طلسم اختناق ترک برمی دارد

برخوردهای درون حاکمیت به همراه تشدید بحران اقتصادی و فشار شدید اجتماعی بر زندگی میلیون ها انسان، وضع انفجار آمیزی در جامعه به وجود آورده که تبلور آنرا می توان در اوج گیری اعتراضات پراکنده، تظاهرات موضعی، اعتصابات کارگری... و برخوردهای مکرر ارگان های سرکوبگر رژیم با دانشجویان، مشاهده کرد. عدم توانایی گروه حاکم در مهار کردن این رویداد نشانگر آغاز دوران کیفیتا جدیدی در حیات جمهوری اسلامی است. همه قراین از حادثتر شدن این برخوردها و تعمیق این بحران حکایت می کند.

اعلام حکومت نظامی در برخی از این شهرها، وسعت و گستردگی ابعاد نارضایتی مردم نسبت به رژیم را نشان می دهد. تنها در مشهد براساس گزارش های رسمی رژیم ۱۰۰ بانک، مغازه و ساختمان دولتی به آتش کشیده شدند. سران رژیم خشمگین و درمانده مردم را به سرکوب، شکنجه و اعدام تهدید می کنند.

طوفان سهمگین اوج گیری خشم مردم به جان آمده و کارد به استخوان رسیده، ارگان رژیم "ولایت فقیه" را بشدت می لرزاند. ناآرامی بسیاری از شهرهای ایران را فرا گرفته است و در برخوردهای ارگان های سرکوبگر با مردم، ده ها تن کشته و صدها تن مجروح و دستگیر شده اند. زد و خورد های خونین در شهرهای مشهد، اراک، شوشتر، ایذه، هفتکل و تبریز و

ادامه در ص ۲

### در دیگر صفحات:

تظاهرات اول ماه مه

در میدان سرخ ص ۸

نشست نمایندگان احزاب کارگری و کمونیستی منطقه مدیترانه، دریای

سرخ و خاورمیانه ص ۷

وحدت "حوزه و دانشگاه" ص ۷

## بررسی کوتاهی از اوضاع اقتصادی ایران

بیش از سه سال از ارائه نخستین برنامه پنجساله دولت هاشمی رفسنجانی به مجلس شورای اسلامی می گذرد. آقای مرتضی الویری برای توضیح اهداف نخستین برنامه پنجساله دولت در مصاحبه ای با روزنامه "کیهان" ۹ آذر ۱۳۶۸. اعلام کرد: "برنامه پنجساله نرخ تورم را از ۲۸/۵ درصد فعلی به ۸/۹ درصد و میزان استقراض دولت از بانک مرکزی را از ۱۲۱۰ میلیارد ریال کنونی به صفر خواهد رساند". وی در همین مصاحبه مدعی شد که این برنامه "از طریق افزایش تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت) به میزان ۸ درصد در سال" به اهداف خود خواهد رسید.

ما به هنگام ارائه این برنامه نوشتیم "برنامه پنجساله ارائه شده به مجلس شورای اسلامی نخواهد توانست ادامه در صفحات ۴، ۵

# زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

## طلسم اختناق ترک ...

عبداله نوری، وزیر کشور به سبک حکومت شاه، مردمی که در اعتراض به خیابانها آمده اند را "اراذل و اوباش" خطاب می کند و آقای علی جنتی، استاندار خراسان "خارجی ها" را متهم به دست داشتن در ناآرامی ها می کند. یکسان بودن عملکرد و پاسخ رژیم جمهوری اسلامی و رژیم گذشته به اوج گیری نارضایتی میلیونها انسان که در شرایط دشوار و طاقت فرسای تحمیل شده به آنان "زندگی" می کنند، اتفاقی نیست. حکومت های استبدادی، ضد مردمی و ضد دموکراتیک شیوه و عملکردی جز این را نمی شناسند و چنین شکلی از دولتمداری با ماهیت آنها عجین شده است.

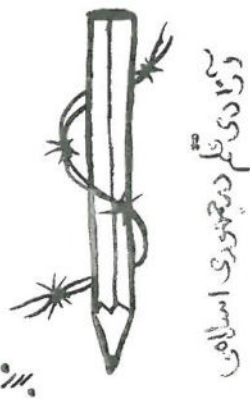
ما در گذشته ای نه چندان دور به هنگام ارزیابی تحولات کشور در سال ۱۳۷۰ نوشتیم: "برخوردهای درون حاکمیت بهمراه تشدید بحران اقتصادی و فشار شدید اجتماعی بر زندگی میلیون ها انسان، وضع انفجار آمیزی در جامعه به وجود آورده که تبلور آنرا می توان در اوج گیری اعتراضات پراکنده، تظاهرات موضعی، اعتصابات کارگری... و برخوردهای مکرر ارگان های سرکوبگر رژیم با دانشجویان، مشاهده کرد. عدم توانایی گروه حاکم در مهار کردن این روند نشانگر آغاز دوران کیفیتا جدیدی در حیات جمهوری اسلامی است. همه قراین از حادث شدن این برخوردها و تعمیق این بحران حکایت می کند..." (نامه مردم ۲۷ اسفند ۱۳۷۰).

سیر حوادث و برخوردهای شدید جناح های مختلف حاکمیت به هنگام برگزاری چهارمین "انتخابات" مجلس شورای اسلامی ابعاد تازه ای به این روند رشد یابنده در کشور داد. موضع گیری گروه حاکم در دفاع از ادامه "ولایت مطلقه قبیله"، یعنی حکومت دیکتاتوری مطلق، علیرغم ادعاهای قبلی آنان پیرامون "گشایش و تغییر اوضاع جامعه" از یکسو و تشدید درگیری جناح حاکم با جناحی که در انتخابات از حاکمیت به شکل خشنی کنار

گذاشته شد، از سوی دیگر، شرایط را دگرگون کرد. افشاکگری های جناح حذف شده از طریق روزنامه ها و مجلاتی که در اختیارشان است، روشن رسوایی ها و تقلبات انتخاباتی و کشیده شدن برخوردهای جناح های حاکمیت به درون جامعه اثرات عمیقی در فضای سیاسی - اجتماعی کشور بجای گذاشته است. جسارت شخصیت ها، گروه ها، دانشجویان، خانواده های شهدا و برخی نیروهای مذهبی در برخورد با مظاهر دیکتاتوری و خصوصا زیر علامت ستوال رفتن اصل "ولایت قبیله" رژیم را بیش از پیش در تنگنا قرار داده است.

جناح حاکم به رهبری رفسنجانی - خامنه ای نشان داد که حاضر است برای حفظ ساختار کنونی به هر عملی، از به مسلسل بستن مخالفان تا حذف سیاسی - فیزیکی نزدیک ترین یاران دیروزی، دست بزند. ولی روند کنونی دارای ویژگی هایی است که فرای خواست این یا آن رهبر جمهوری اسلامی شکل می گیرد و بر تحولات در جامعه ما اثر می گذارد.

رهبری جمهوری اسلامی در حال حاضر روند فروپاشی قطعی خود را آغاز کرده است. با حذف گروه کروی، خویشی ها، محتشمی و یاران از مجلس و سایر ارگان های دولتی بزرگترین گسست و انشقاق در صفوف روحانیتی که پس از انقلاب حاکمیت را تصاحب کرد، شکل می گیرد. با این گسست بخشی از نزدیک ترین یاران خمینی و سردمداران جمهوری



اسلامی که ارکان های اصلی جبهه متلفه روحانیت در مقابل نیروهای اپوزیسیون و دمکرات را تشکیل می دادند عملا، و برخی از آنها به ناچار، در مقابله رودرو با حاکمیت قرار گرفته اند که پایگاه اجتماعی - سیاسی اش هر روز کوچک و کوچکتر می شود. جناح حاکم علیرغم تهدیداتی که کرده است مشکل بتواند به همان شیوه ای که در زمان حیات خمینی، بنی صدر و یا منتظری را حذف کردند، در شرایط فعلی عمل کند.

ترک برداشتن طلسم اختناق در درون جامعه، جسارت کم نظیر توده های عظیم مردم در برخورد روشن و قاطع علیه سیاست های ضد مردمی رژیم، و تشدید فشارهای اقتصادی - اجتماعی، بهمراه گسست جدی در صفوف حاکمیت مجموعه ای از شرایط ذهنی و عینی را پدید آورده است که ادامه حکومت به شیوه گذشته را در دراز مدت غیر ممکن می سازد. جناح حاکم چاره ای جز تن دادن به خواست های توده ها ندارد، افزایش حقوق کارمندان دولت درست قبل از برگزاری انتخابات و فشار برای کاهش قیمت ها در کنار برخی ژست های "آزادی خواهی"، بخشی از برنامه حکومت در آرام کردن وضع جامعه و در نتیجه ایجاد ثبات سیاسی است. مبارزه برای تحول، آزادی، عدالت اجتماعی و ایجاد شرایط ضرور برای بازسازی اقتصادی کشور ابعاد گسترده ای در کشور پیدا کرده است. هر چه فشار از پائین برای جلو بردن این خواست ها بیشتر باشد، امکان مقاومت رژیم در مقابل این روند کمتر خواهد بود. بنظر ما، مبارزه مشترک و هماهنگ همه نیروهای تحول طلب و آزادی خواه و مقاومت جدی در مقابل پورش احتمالی رژیم برای سرکوب صدای مخالفت در جامعه سیمای آینده کشور را تعیین خواهد کرد. بجز گروه اندکی که اکنون سکان حکومت را در دست گرفته اند، اکثریت مردم ایران پس از تحمل ۱۳ سال اختناق، جنگ، ویرانی، فقر، عقب ماندگی و بی قانونی، خواهان قطعی برای تغییر این وضع ناپسامان هستند. ما در عملی شدن این خواست و طرد رژیم "ولایت قبیله" که سد راه این تحولات ضرور است، کوچکترین تردیدی نداریم.

تخریب شد؛ کوهها به حرکت در آمد؛ بسیاری از آبراهها مسدود گردید؛ قناتها و چاهها و کانال ها از سنگ و شن و ماسه و رسوبات انباشته شد.

سیل و طغیان آب هزاران تن از عشاير ساکن و کوچنده را بیخاکمان و سرگردان ساخت. آب به برخی شهرها نیز نفوذ کرد و خسارات سنگین به بار آورد؛ آب آمیخته با فاضلاب در کوی ها و کوچه ها سرازیر شد. بسیاری از ساختمانها - خانه های مسکونی؛ موسسات آموزشی و رفاهی - را فراگرفت و کوچه ها و معابر را از سنگها و رسوبات و ضایعات پوشاند، پل های شهرهای را در هم شکست؛ ارتباطها را قطع کرد؛ آسفالت ها و

تاسیسات رفاهی و تجاری را ویران ساخت؛ روستاهای بسیاری را صد درصد تخریب کرد و صدها روستا را در محاصره سیل و در معرض نابودی قرار داد؛ صدها هزار هکتار زمینهای مرغوب کشاورزی و مراتع و تاسیسات آب آشامیدنی و واحدهای تولیدی و امکانات غذایی را نابود ساخت؛ صدها دهنه پل را طعمه خود کرد؛ هزاران کیلومتر راه روستایی و فرعی را از بین برد؛ جاده های اصلی میان شهری را خراب کرد و ارتباطها را قطع کرد.

بر اثر سیل و طغیان رودخانه ها انبارهای بذر و علوفه دام و سایر ذخایر روستایی و قرارگاههای وسایل و ابزار کشاورزی و دامداری از بین رفت؛ صدها آب بند و سدهای خاکی و خاکریز درهم شکست، دیواره سیل پندها

## سیل و طغیان رودخانه ها در ۱۷ استان ...

فرارسیدن بهار را به نویدی و تلخکامی مبدل ساخت.

بنا بر آنچه معاون وزارت کشور و رئیس "ستاد حوادث غیر مترقبه" رسماً اعلام کرد و روزنامه ها نوشتند؛ ۲۱ مورد طغیان آب در دو ماهه اخیر در ۱۷ استان کشور خسارات جبران ناپذیر بسیاری به بار آورد؛ بیش از ۲۰۰ میلیارد ریال (رقم ناقص اعلام شده) زیان به کشاورزان و دامداران و باغداران وارد آورد؛ قربانیهای بسیار از جمله دهها زن و کودک گرفت؛ دهها هزار دام را کشت؛ هزاران واحد مسکونی و آموزشگاه و

## اطلاعیه سازمان عفو بین الملل

## پیرامون

## دستگیری دست اندرکاران مجله علمی "فاراد"

سازمان عفو بین الملل نگرانی خود را پیرامون دستگیری ناصر عربها، سردبیر مجله علمی "فاراد" و سه تن از همکاران وی که (تا کنون اسامی آنها مخفی نگاه داشته شده است) در تاریخ ۱۱ آوریل ۱۹۹۲ در تهران صورت گرفته است، اعلام می دارد.

این اشخاص زندانیان عقیدتی هستند که صرفا به خاطر اظهار عقاید و نظرات خود تحت بازداشت قرار گرفته اند. براساس گزارش های رسیده آنان بدون داشتن هیچگونه ارتباطی با خارج، در زندان اوین نگهداری می شوند. طبق گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) ناصر عربها به علت چاپ "کاریکاتور توهمین آمیزی از آیت الله خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی" بازداشت شده است. براساس گزارشی که در روزنامه آمده است، این کاریکاتور یک شخصیت مذهبی مجروح را در حال بازی فوتبال نشان می دهد. تاکنون از اتهامات وارده بر این افراد اطلاعی در دست نیست. به قرار گزارشهای واصله،

ناصر عربها و همکاران وی در حال حاضر تحت "دادخواهی" دادگاه انقلاب اسلامی در بازداشت بسر می برند، در حالیکه مطابق ماده ۳۴ قانون مطبوعات ایران "موارد جرایم به مطبوعات در حیطه دادخواهی دادگاه های عمومی قرار دارد که در آنجا متهمین بایستی در حضور هیئت منصفه محاکمه شوند".

سازمان عفو بین الملل نگرانی خود را از محاکمه غیر قانونی ناصر عربها و همکارانش در دادگاه انقلاب اسلامی اعلام می دارد.

گزارش دو نوبت تظاهرات در اعتراض علیه چاپ این کاریکاتور "توهمین آمیز" در تاریخ ۹ و ۱۱ آوریل در روبروی اداره مجله "فاراد" در دست است. از

تاریخ ۱۱ آوریل انتشار این مجله توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ممنوع اعلام شده است. از آن تاریخ تاکنون خبرگزاری ها از وقوع چندین تظاهرات دیگر در تهران و قم گزارش داده اند، که در آن تظاهرکنندگان خواستار مجازات جدی منتشرین این مجله گردیده اند.

براساس گزارش خبرگزاری فرانسه، آیت الله جنتی، عضو شورای نگهبان نیز درخواست کرده است که در این مورد "حداکثر مجازات" اجرا گردد.

سازمان عفو بین الملل از مسؤلان دولت ایران خواسته است که موضع حقوقی بازداشت شدگان مشخص گردد. این سازمان معتقد است که هرگاه ناصر عربها و همکاران او صرفا بخاطر بیان

عقاید و نظرات وجدانی خود تحت پیگرد قرار گرفته باشند، می بایستی فوراً و بدون هیچگونه قید و شرطی به عنوان زندانیان عقیدتی آزاد گردند. در غیر این صورت، آنان باید هرچه زودتر بتوانند به مشاورت حقوقی دسترسی پیدا کرده و در یک دادگاه صالح طبق موازین شناخته شده بین المللی محاکمه شوند.

سازمان عفو بین الملل همچنین می خواهد اطمینان حاصل کند که نسبت به بازداشت شدگان رفتار انسانی به عمل می آید و آنها می توانند مرتباً با وکلای مدافع و افراد خانواده‌هایشان ملاقات کرده و در صورت نیاز از امکانات پزشکی بهره مند شوند.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این حرکت غیر قانونی و ضد انسانی جمهوری اسلامی خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط ناصر عربها، همکاران او و کلیه زندانیان سیاسی است که در زندانهای رژیم تحت آزار و شکنجه قرار دارند.

## سیل و طغیان رودخانه ها در ۱۷ استان ...

جدول ها را منهدم ساخت. بر اثر باران و سیل و سرمای ناگهانی و تکرک های سنگین هزاران پرنده مهاجر و دامهای بسیار تلف شدند ... بنا بر اظهار همان مقام "وزارت کشور" خسارات به حدی است که بودجه پیش بینی شده در مجلس و حجم اعتباراتی که "شورای پول و اعتبار" برای سال ۷۱ در نظر گرفته، برای جبران آنها بسیار ناچیز است. وی تاکید کرد که هرگاه خسارات ناشی از سوانح سال گذشته را نیز، که هنوز جبران نشده است، نادیده بگیریم، برای جبران خسارات این دو ماهه هنوز بیش از ۱۵۰ میلیارد ریال (که رقم واقعی بسیار بیشتر از آن است) کمبود اعتبار وجود دارد.

همزمان با سیل و طغیان آب، سرمای شدید همراه با برف و باران و توفانهای سخت، سردرختی ها و شکوفه های بهاری را نابود کرد. درختستانها و باغها را ویران ساخت، درختان کهن را از جای کند و از جمله در آذربایجان و کردستان و نواحی مرکزی ایران زیانهای سنگینی به باغداران وارد آورد و در واقع حاصل

کار و زحمت توانفرسای آنان را نابود ساخت، درستز طوفان و تکرک های سنگین شیشه های ساختمانها را شکست.

- بر اثر سیل و سرمای سخت و برفگیر بودن مناطق ییلاقی و قطع جاده های کوچ و ویران شدن پل ها از جمله "پل کوه" و "شورآباد" در نزدیکی الیکودرز، کوچ عشایر از گرمسیر به سردسیر به گونه ای ناخواسته به تاخیر افتاد و از جمله عشایر کوچ نشین خوزستان که پسوی لرستان در حرکت بودند، ناچار شدند در قشلاق زمستانی بمانند، در حالی که در محاصره سیلاب قرار داشتند و دامهای پرواری آنان (حدود ۲۰۰ هزار رأس) که برای فروش آماده کرده بودند، بدون علوفه و دارو، روی دستشان ماند (روزنامه ها نوشتند که به برخی از آنان با هلیکوپتر آذوقه و علوفه رساندند) کوچ نشینان مناطق سخت گذر- در ایذه و مسجد سلیمان و دزفول - بدون آذوقه و علوفه و دارو، در محاصره برف و سرما و طوفان نابینگام ماندند و آنها که در حال کوچ بودند، با خانواده ها و دامهای خود زیر چادرها غافلگیر شدند، دامهای بسیار از آنان تلف شدند و اینک بیماری و بی غذایی و بی دارویی خانواده ها را تهدید می کند. وضع

عشایر کوچنده در نواحی دیگر کشور نیز بهتر از کوچ نشینان خوزستانی نیست.

بدون تردید مدتها خواهد گذشت و هنوز حتی خبرهای دقیق و روشنی از میزان خسارات فاجعه باری که این دو ماهه بر مردم شهر و ده وارد آمده به دست نخواهد آمد و آسیب دیدگان سیل و طغیان آب و توفان مانند هزاران خانواده نکون بختی که بر اثر زلزله دو سال پیش از هستی ساقط شدند، همچنان در انتظار "کمک" بسر خواهند برد.

تردید نیست که هرگاه از نابودی جنگل ها و مراتع جلوگیری می شد، هرگاه به انواع غارتگران اجازه داده نمی شد که سیل گیرها و دره های مسیر سیل را به املاک شخصی خود مبدل سازند، هرگاه برای محدود ساختن دامنه این گونه سوانح بوجه اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه - نه فقط در بخشنامه ها، بل در عمل - اجرا می شد، خسارات جبران ناپذیر و خانمان برانداز سیل و طغیان آب تا این حد سهمگین نبود.

\*\*\*

کوچکترین تنبیری در وضع کنونی ایجاد کند...  
("نامه مردم" - ۱۹ دی ۶۸).

گذشت زمان صحت ارزیابی ما را به اثبات رساند. آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۲۸ فروردین ۷۱، ضمن گله از کسانی که در دعوی انتخابات دروغ های جمهوری اسلامی پیرامون شکوفایی اقتصادی ایران را برملا می کنند، بار دیگر مدعی شد که برنامه پنجساله اول و دوم خواهد توانست ایران را به وضعی برساند که حتی "اگر دیوار هم دور خودمان" بکشیم به کسی محتاج نباشیم. این سخنان رفسنجانی شباهت خارق العاده ای به ادعاهای شاه پیرامون رسیدن ایران به دروازه های تمدن بزرگ دارد و صداقت و درستی آن بی شک همان اندازه بیشتر نیست.

و اما واقعیت تلخ و دردناک کشور نمودار دیگری از اوضاع اقتصادی ارائه می دهد. برای اینکه به ژرفای فاجعه اقتصادی و مالی در جمهوری اسلامی پی ببریم، توجه خوانندگان را به آمار و ارقام رسمی جمهوری اسلامی پیرامون برخی نمودارهای عمده اقتصادی جلب می کنیم:

تولید ناخالص ملی	میلیارد ریال
آمار سال ۱۳۵۶	۳۹۲۲/۳
آمار سال ۱۳۶۳	۳۴۲۱
آمار سال ۱۳۶۷	۲۹۶۱

مهندس نیلی، معاون سازمان برنامه و بودجه کشور امسال اعلام کرد که تولید ناخالص ملی در سال ۶۸ برپایه قیمت ثابت سال ۶۱ به حدود تولید سال ۱۳۵۴ رسیده است. این روند در سال های ۶۹ و ۷۰ نیز ادامه پیدا کرده است. این ارقام نشانگر آنست که تولید ناخالص سرانه به عنوان نمونه در فاصله سالهای ۵۶ - ۶۷ از ۷۵ هزار ریال به ۵۵/۵ هزار ریال کاهش پیدا کرده است. و این در حالی است که براساس اعتراف آقای الویری نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص ملی از ۲۷/۴ درصد در سال ۵۶ به ۱۵ درصد در سال ۶۷ کاهش پیدا کرده است.

شاخص مصرف خصوصی سرانه که یکی از مهمترین شاخص ها برای سنجش رفاه اجتماعی است براساس آمار رسمی، بطور متوسط ۱۰/۷ تنزل پیدا کرده است. این بدان معنا است که هزینه سرانه دولت برای ارائه خدمات و کالا پشدد کاهش یافته است.

شاخص مهم دیگری که عقب ماندگی شدید اقتصادی کشور را نشان می دهد، ترکیب اشتغال در بخش های گوناگون اقتصادی است. در این زمینه آمار معتبری که می توان به آن رجوع کرد، آمار سرشماری سال ۶۵ است که تا به امروز تغییرات چشمگیری نکرده است.

براساس این آمار ترکیب اشتغال در کشور ما به شرح زیر است:

کشاورزی ۱۹ درصد، بخش خدمات ۴۷/۹ درصد، بخش صنعت و معادن ۱۲ درصد، بخش ساختمان ۱۱/۱ درصد.

آقای رفسنجانی به هنگام ارائه برنامه پنجساله مدعی گردید که مضللات عمده اقتصادی کشور از جمله تورم و سطح بالای استقراض دولت به سطح نازلی کاهش خواهد یافت. براساس این ادعا سطح استقراض دولت از

بانک مرکزی به ترتیب ۱۲۱۰ میلیارد ریال در سال ۶۸، ۱۴۳۹ میلیارد در سال ۶۹، ۱۲۱۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ و ۶۲۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱ و صفر در سال ۷۲ کاهش خواهد یافت.

این کاهش در کنار کاهش تورم کشور از ۲۸/۵ درصد به ۸/۹ درصد قرار بود از طریق افزایش سریع تولید و کاهش نقدینگی بخش خصوصی از رقم نجومی ۱۹۰۰۰ میلیارد ریال (در سال ۱۳۶۸) تامین گردد. از جمله درآمدهای عمده دولت برای پیشبرد برنامه

پنجساله نخست، درآمد از محل فروش نفت در نظر گرفته شده بود. آقازاده، وزیر نفت در هنگام ارائه برنامه پنجساله به مجلس درآمد نفت در سال ۱۳۶۸ را ۱۲ میلیارد دلار تخمین زده بود و برنامه اول پنجساله آقای رفسنجانی ادعای ۸۶ میلیارد دلار درآمد نفتی در عرض پنجسال را داشت. (یعنی بطور متوسط ۱۶ - ۱۷ میلیارد دلار درآمد سالانه). امروز پس از گذشت سه سال و تشدید بی سابقه قروض و وام های ارزی دولت بی پایه بودن این پیش بینی های اقتصادی برای همه روشن گردیده است. آقای رفسنجانی در نماز جمعه ۲۸ فروردین ماه ضمن اشاره به این موضوع، به مطلب جالب دیگری نیز اعتراف می کند: "... مطرح می کنند که جمهوری اسلامی اکنون این مقدار وام و ارز خارجی گرفته. مثلا ۲۰ میلیارد ارز خارجی اکنون مصرف کرده ... از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۷ ما به طور معدل که یک سال زیاد و یک سال کم بوده ۱۱ میلیارد و نیم هرساله ارز مصرف کرده ایم. یک سال مثلا ۱۶ و یک سال ۸ و یک سال رقم ۲۰ بوده ... و در این سال یعنی سالهای ۱۳۶۸، ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ ما بطور معدل ۱۲ میلیارد و نیم ارز خرج کرده ایم، یعنی ۲ میلیارد تفاوت در صورتی که قدرت خرید ارز که پول ما ریال است ۲۰ درصد افت کرده است

... ("کیهان" - ۲۹/۱/۷۱)

آمارهای بالا و اعتراف جالب آقای رفسنجانی تصویر گویایی از وضع فلاکتبار و عقب ماندگی اقتصادی کشور را به نمایش می گذارد. در حالیکه جمعیت کشور متوسط رشدی بین ۳/۶ - ۳/۹ درصد در سال داشته است و سکنه ایران از ۳۵ میلیون نفر به ۵۸ میلیون نفر افزایش یافته است، فقر، بیکاری، تورم و زندگی میلیون ها نفر از هم میهنانمان را تباہ کرده است.

## بررسی کوتاهی از اوضاع اقتصادی ایران

براساس آمار موجود (منتشره در اطلاعات اقتصادی - سیاسی) ۴۰ درصد یعنی حدود ۲۲ میلیون نفر از جمعیت کشور براساس استانداردهای موجود در جمهوری اسلامی زیر خط فقر زندگی می کنند (براساس ۶۰۰ هزار ریال درآمد سرانه برای خانواده های شهری و ۴۸۰ هزار ریال درآمد سرانه برای خانواده های روستایی).

پیدا کردن علل این پدیده دردناک در جامعه چندان دشوار نیست. دولت جمهوری اسلامی در سال ۶۸، یعنی آغاز برنامه پنجساله اول نرخ بیکاری در کشور را ۱۵/۹ درصد اعلام کرد که معادل ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بیکار در کشور می شود. کارشناسان اقتصادی جمهوری اسلامی نیز معتقدند که در مجموع بیکاری نهان و آشکار حدود ۴۳ درصد کل نیروی کار کشور را در بر می گیرد. مثلا براساس این آمار در سال ۶۷ تنها حدود ۷ - ۸ میلیون نفر در سرتاسر کشور از اشتغال واقعی برخوردار بوده اند. با در نظر گرفتن این آمار نخستین برنامه پنجساله قرار بود که سالانه ۳۹۴ هزار شغل جدید در کشور ایجاد کند! اگر به آمار کسانی که سالانه به بازار کار کشور افزوده می شوند که رقمی معادل ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر می باشد، توجه گردد روشن می شود که براساس برنامه پنجساله دولت نه تنها تعداد بیکاران کشور کم نشده، بلکه تا کنون حداقل یک میلیون نفر به تعداد آنها افزوده شده است.

عدم وجود سیستم موثر تامین اجتماعی و کاریابی در جامعه به این معناست که این نیروی عظیم به هز رفته و بخش عمده ای از امکانات مادی و تولیدی کشور صرف کارهای کاذب و غیر تولیدی می گردد. ادامه چنین وضعی در دراز مدت بحران اقتصادی موجود را دو چندان خواهد کرد.

اقتصاد کشور همچنان برپایه یک اقتصاد تک محصولی با اتکا به درآمد نفت به حیات بیمار خود ادامه می دهد. رشد ناهنجار بورژوازی انگلی - بوروکراتیک و قبضه کردن

## نمونه ای از ادب و "عطوفت اسلامی" حضرات!

آیت اله مشکینی امام جمعه قم و رئیس "مجلس خبرگان" در خطبه های نماز جمعه خود (۷۱/۲/۴) ماجرای نشریه "فاراد" را به میان کشید، و از جمله چنین گفت:

- "برای ملتی که به رهبر خود عشق می ورزد قابل تحمل نیست که در مجله ای فاسد، انسانهایی رذل و بی اعتقاد به خود اجازه دهند چنین عمل توهین آمیزی نسبت به حضرت امام انجام دهند"

- "حزب اله ما به عاملین این حرکت پاسخ مناسب دادند و نشان دادند که در برابر این حرکات ساکت نخواهند نشست"

- "ملت مومن و مسلمان ما به کمتر از اعدام و مرگ برای توهین کنندگان در این مجله کیفی راضی نمی شوند"

- "اشخاصی که اجازه می دهند زیر نظر آنها و در این تاریکی چنین حشراتی امکان پیدا کنند مسئول هستند و باید جوابگو باشند"

- "و بالاخره خطاب به نمایندگان مجلس: آقایان نمایندگان! که مدتی وقت صرف کردید تا التزام عملی را از کاندیداها پس بگیرید، شما که استیضاح کردید چرا نمی نشینید و به کسی نمی گویید بالای چشمت ابروست؟"

## در مطبوعات مجاز

- "شما فکر نکرده اید که با حذف فرزندان امام و انقلاب اسلامی ایران از شرکت در مجلس شورای اسلامی نشان دادید که بینش مخالف خودتان را نمی توانید تحمل کنید، حالا خودآگاه بوده یا ناخودآگاه، آیا فکر نمی کنید که با این عمل برای مردم جهان ذهنت ایجاد کردید که حکومت تحمل بینش مخالف خود را ندارد و آسیب پذیر شده است؟"

قاضی زاده، نماینده سرخس  
سلام ۴ خرداد ۱۳۷۱

- "چه شده است که از فراریان دعوت می کنید تا به کشور برگردند، اما به جان فرزندان انقلاب افتاده ایم و سیل تهمت ها را به سوی آنان روانه می کنیم و انواع مارکها را به آنها می چسبانیم و در این آشفته بازار باعث انزوای انقلابیون و رشد نیروهای بی تفاوت و گاه ضد انقلاب می شویم."

محمد جعفر سعیدیان فر، نماینده خمینی شهر  
کیهان ۵ خرداد ۱۳۷۱

کارشناسان اقتصادی ایران سالیان درازی است که بر ضرورت تحول بنیادین ساختار اقتصادی کشور و صنعتی نمودن این ساختار تاکید ورزیده اند. کشور ما نیاز به یک اقتصاد ملی پویا دارد. برای این نیز می بایستی مدل ویژه رشد اقتصادی متناسب با شرایط کشور و سنن رایج در جامعه جستجو و انتخاب گردد. چنین مدلی می بایستی اهمیت و ویژگی های رشته های مختلف اقتصادی کشور را در نظر بگیرد. عدم توازن عمیق از ویژگی های ساختار اقتصادی کشور ماست. افزایش درآمد ملی به مثابه یکی از شاخص های عمده رشد اقتصادی - اجتماعی با رشد سریع تولید کالا در رشته های صنعتی و کشاورزی امکان پذیر است.

رسیدن به این هدف تنها از طریق سرمایه گذاری در صنایع از محل درآمد ملی و هدایت صحیح آن به همراه دگرگون ساختن مدیریت اقتصادی در جامعه امکان پذیر است. چنین برنامه پایه ای برای آغاز نوسازی اقتصادی کشور محتاج نیروی انسانی کارآموز و مهندسان خیره، کارگران ماهر و موسسات پژوهشی و مجهز در کنار کارگاههای صنعتی پیشرفته می باشد....

به نظر ما، تجربه ۱۳ ساله اخیر نشان داده است که در فضای سیاسی موجود، یعنی در جو ترور و اختناق و عدم امنیت اجتماعی و اقتصادی، امکان ایجاد چنین تحولی بعید به نظر می رسد. ساختار عقب مانده و ضد دموکراتیک "ولایت ققیه" امکان ایجاد مدیریت سالم و بهره وری درست از نیروی کار متخصص در جامعه را عملاً نمی می کند. این ساختار در عمل به سد عمده پیشرفت اجتماعی - اقتصادی کشور بدل گردیده است و از این رو هرگونه حرکت برای تحول و پیشرفت و دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی - اقتصادی جامعه به طور تنگناکنی با

اهم های سیاسی توسط نمایندگان این گروه سبب گردیده است که حتی بخش بورژوازی صنعتی ایران در تضاد شدید و رشد یافته ای با گروه حاکم قرار گیرد. از خصلت های عمده و بارز بورژوازی انکلی - بوروکراتیک دشمنی و مخالفت با هرگونه کار تولیدی و سرمایه گذاری در صنایع پایه ای و اساسی برای کشور می باشد. براساس گفته وزیر صنایع سنگین: "در سالهای اخیر هیچگاه ارزش کافی برای صنایع کشور وجود نداشته است. به عنوان نمونه در حالیکه جمهوری اسلامی برای صنایع کشور در سال ۶۹ مبلغ ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار درآمد ارزی پیش بینی کرده بود، این رقم حتی به یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار هم نرسید و این در حالی است که به گفته مهندس نیلی برای راه انداختن چرخ اقتصادی مملکت و ریشه کن کردن معضل بیکاری می بایستی ۶۰۰ هزار واحد صنعتی در ۲۰ سال آینده ایجاد گردد، بخش عمده ای از درآمد نفت کشور صرف ورود کالاهای مصرفی و حیف و میل شدن در چارچوب اداری فاسد و بوروکراتیک جمهوری اسلامی می گردد.

آماري که اخیراً از جانب ماهنامه گزیده مسایل اقتصادی، اجتماعی وایسته به معاونت انفرماتیک مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و سازمان برنامه و بودجه منتشر گردیده، بار دیگر نشان می دهد که اقتصاد کشور ما یک اقتصاد تک محصولی متکی بر درآمد نفت است. جمع درآمدهای ارزی کشور براساس این گزارش معادل ۱۹ میلیارد و ۷۹۰ میلیون دلار است که ۱۶ میلیارد و ۵۵۰ میلیون دلار آن را درآمد نفت تشکیل می دهد. به عبارت دیگر نزدیک به ۸۵ درصد از درآمد ارزی کشور منحصرأ به تولید نفت خام و یا فرآورده های نفتی بستگی دارد. این روند عیناً در دهه های اخیر تکرار شده است.

ترکیب صادرات ایران	سال	مبلغ (میلیارد دلار)	درصد
نفت و فرآورده های نفتی	۱۳۶۴	۱۱	۸۵
نفت و فرآورده های نفتی	۱۳۶۶	۱۰/۷	۸۶
کل محصولات غیر نفتی	۱۳۶۶	۱/۷	۱۴
نفت و فرآورده های نفتی	۱۳۷۰	۱۶/۵۵	۸۳
کل محصولات غیر نفتی	۱۳۷۰	۴/۲۴۸	۱۶

مبارزه برای پایان دادن به رژیم "ولایت ققیه" پیوند می خورد. سونوشت نخستین برنامه پنجساله و دومین برنامه، مانند سرنوشت رژیم "ولایت ققیه" بی شک سرنوشت محتومی خواهد بود.

کوتاه سخن: "سالی که نکوست از بهارش پیداست". برنامه پنجساله نخست جمهوری اسلامی در عمل نه تنها نتوانسته کشور را از وضع فلاکتبار اقتصادی رها سازد، بلکه در عمل همان راه و مدل گذشته را ادامه داده است. بر این اساس اقتصاد ایران برپایه عقب مانده ترین مدل صنعتی شدن، یعنی رشد کارگاههای کوچک "در حال رشد" است.

## قسمتهایی از مصاحبه روزنامه "اومانیته"

## با یاروژلسکی، رهبر سابق حزب متحده کارگری و رئیس جمهور سابق لهستان:

"اومانیته" شما نوشتید که رهبران لهستان تا روزهای آخر بر این باور بودند که در انتخابات ۱۹۸۹ بیشترین رأی را تصاحب خواهند کرد. در حالیکه برای ناظران خارجی که در آن زمان در محل حاضر بودند مسئله کاملاً بصورت عکس مطرح بود. در وهله نخست به این دلیل که حزب متحده کارگری هیچگونه کارزار تبلیغاتی را در مقابل همبستگی که کاملاً بسیج شده بود سازمان نداد. شما شخصاً، چه زمانی دریافتید که حفظ قدرت توسط حزب متحده کارگری غیر عملی است و باید جریان انتقال صلح آمیز قدرت را سازماندهی کرد؟ پس از این انتخابات یا قبل از آن؟

یاروژلسکی: خودتان خاطر نشان کردید که حزب متحده کارگری لهستان در جریان کارزار انتخاباتی کاملاً غیر فعال بود. این مسئله آنچه را که درباره انحصار قدرت قبلاً گفتم تأیید می کند. طی دهها سال حزب رقیبی نداشت. این حزب در جریان یک انتخاب دموکراتیک کاملاً در حالت انزوا بسر می برد. حزب مبارزه را فراموش کرده بود. او فکر می کرد که به محض اینکه تصمیمی که گرفته شد باید به مورد اجرا درآید. بطور مثال از اشتباه حزب درباره سیستم رأی در پارلمان سخن بگویم. ما با دبیر اول های مناطق مختلف درباره رأی نسبی و رأی اکثریت در پارلمان به بحث نشستیم. همه آنها با این اطمینان که از اکثریت برخوردارند جهت اینکه کلیه جایگاهها را در پارلمان اشغال نمایند، با سیستم رأی اکثریت موافق بودند. در حالیکه اگر ما سیستم رأی نسبی را انتخاب کرده بودیم ۳۰ درصد مکان در پارلمان مال ما بود. چنین نایبانی نشانی بر پیری و کودکی بطور همزمان بود.

اما اینکه من چه زمانی دریافتم که حزب صحنه را باخته است؟ من نمی خواهم خود را بعنوان کسی که از تاخیر حزب آگاه شد معرفی کنم. این آگاهی در حقیقت بصورت یک پرسه بود. در طی زمان طولانی من بر این باور بودم که می توان رفرم در تقسیم قدرت، بصورت ائتلافی که اصلاحاتی اجتماعی و اقتصادی برای ساختن سوسیالیسم دموکراتیک و کارا در رابطه با اقتصاد انجام دهد، بوجود آورد. با چنین ایده ای بود که من مسئله میزگرد را پیشنهاد کردم. بدنبال از دست دادن رفراندوم ۱۹۸۷، من به این نتیجه رسیدم که بدون کمک یک اکثریت اجرای رفرمها دشوار خواهد بود.

در نخستین مرحله ما موفق شدیم که باهم حکومت کنیم، حزب متحده کارگری و اپوزیسیون. اولین حکومت که توسط همبستگی

رهبری می شد دو وزیر (دفاع و امور داخلی) از حزب متحده کارگری داشت. نخست وزیر از همبستگی بود و من بعنوان رئیس جمهور از حزب متحده کارگری. سپس پدیده رد فلسفه میزگرد با سرعت شتابنده ظاهر شد. این مسئله بیشتر از آنکه به ضرر حزب متحده کارگری که اکنون وجود ندارد، تمام شود، برای رهبران جدید زیان آور بود. اپوزیسیون توهمات متعددی را ایجاد نمودند. رسانه های گروهی کشورهای غربی قویاً به آنها در این امر کمک کردند. آنها به مردم لهستان چنین القا کردند که مهمترین امر واژگونی کمونیستاست و اینکه واژگونی کمونیستها شرایط را برای دستیابی به سعادت فراوان و رسیدن به بهشت موعود، فراهم می نماید.

این بهشت البته بسیار غم انگیز است. ما شاهد یک قعر که سریم گسترش می یابد، هستیم. حتی اگر شرایط حاضر پرداخت بهای تغییرات در نظر گرفته شود، کسی که کار خود را از دست داده است، کسی که خود را در قعر غرق می بیند نمی تواند آن را درک کند و نمی تواند آن را بپذیرد. من بیم آن دارم که ما راه کشورهای آمریکای جنوبی را در پیش بگیریم. اهالی کشور فکر می کنند همینکه کاپیتالیسم بصورت بنیادی مستقر شد. همه چیز روپراه خواهد شد. این سرایی بود که همبستگی هنگامی که در اپوزیسیون بود، معرفی می کرد.

یک لحظه به گذشته برگردیم. در سال ۱۹۴۷، یک جریان انقلابی که اقلیتی از جمعیت کشور را در بر می گرفت بوجود آمد. مالکیت زمینداران و کارخانه داران بزرگ از آنها گرفته شد. ما اکنون می پذیریم که این عمل در مورد تعدادی از آنها ناعادلانه بود اما اکثریت مردم جامعه به سود خود دست یافتند. میلیونها مردمی که از روستاهای عقب افتاده به شهر می آمدند کار پیدا می کردند، رشد فرهنگی وجود داشت و بهداشت مجانی. من یک مثال بسیار مشخص می آورم: تا سال ۱۹۸۹، هر ساله ۳ میلیون کودک با پول دولت در اردوهای تفریحی تعطیلات خود را می گذراندند. سال گذشته تعداد آنها ۳۰۰۰۰۰ نفر بود. سیستم مدیریت اقتصادی ما از لحاظ کارائی دچار نقص بود، اما هیچکس نمی تواند بگوید که کمونیستها دارای یک فلسفه اجتماعی و فکری غلط هستند حتی اگر اقتصاد ما تحمل بار سنگین اجتماعی را نداشته باشد. هرگونه افراطی ناشایسته است. قبلاً همه غیر از حقوق ماهیانه خود، پولی بعنوان کمکهای اجتماعی (بدون آن که نتایج کار آنها در نظر گرفته شود) دریافت می داشتند. امروز همه مردم از این کمکهای اجتماعی محروم

گردیدند.

"اومانیته" بعد از پیروزی "همبستگی" در سال ۱۹۸۹ "حزب متحده کارگری لهستان" بصورت حزب جدیدی بنام "سوسیال دموکراسی جمهوری لهستان" تغییر شکل داد و نتایج خوبی هم در انتخابات مجلس ملی بدست آورد. از طرفداران لئو والسا جلو افتاد. شما درباره این حزب چه فکر می کنید؟ آیا رهبران آن از حمایت شما برخوردارند؟

یاروژلسکی: من طرفداری خود را از "حزب سوسیال دموکراسی جمهوری لهستان" اعلام کرده ام. من رسماً در این حزب شرکت نمی کنم زیرا نمی خواهم سایه فردی مانند من که سنبل یک دوره گذشته است بر حزب جدید سنگینی کند. حزبی که توسط نیروهای جوانی که تقریباً از "حزب متحده کارگری لهستان" آمده اند رهبری می شود. من نمی گویم که این تغییر در شکل ظاهری "حزب متحده کارگری لهستان" است. زیرا در "حزب متحده کارگری لهستان" همواره یک جریان اصلاح طلب که نسبت به زمان از ضعف و یا قدرت برخوردار بود، وجود داشت. "حزب سوسیال دموکراسی جمهوری لهستان" نه تنها حق سیاسی دارد، بلکه از حق اثر فکری برخوردار است. تغییرات در لهستان، تنها بعلت شایستگی "همبستگی" نبود، بلکه نیروهای اصلاح طلب حزب متحده کارگری لهستان نیز در آن سهم شایسته داشتند. حزب استعداد آن را داشت که از نتایج انتخابات درس بگیرد، قدرت را تقسیم کند، آن را واگذار نماید و خود در راه دموکراسی گام بگذارد. امروز، این حزب برای پرنسیپ های انسانی سوسیالیسم مبارزه می کند.

اما اینکه چه دور نمایی برای چپ لهستان وجود دارد؟ شوربختی. و آن برخورد سایر جنبش های چپ که از حزب متحده کارگری لهستان بوجود نیامده اند ولی برنامه های همه آنها تقریباً یکی است، با حزب سوسیال دموکراسی جمهوری لهستان که از یک حضور و نیروی قوی در پارلمان برخوردار است. این حزب بصورت دموکراتیک انتخاب شد. عموماً، مسئولین آن مقامات بالایی در رژیم سابق نداشتند. آنها کار با چنین حزبی را رد می کنند. آنها با کاندیداهای این حزب در مجلس مانند طاعون زده ها رفتار می کنند. ابلهانه است. من امیدوارم که چنین رفتاری متوقف شود. کارزار کمونیسم سیزی حربه خوبی است برای نیروهای راست. وقتی که نان نباشد باید توجه را بسمتی دیگر سوق داد. راست ها می خواهند مشکلات و مسئولیت خود را در حل آنها بر دوش تاریخ بیاندازند. دموکراسی ما در رابطه با منافع کلی کشور یک نوع همراهی را می طلبد. این بدین معنی نیست که همه با هم موافق باشند. یک برآیند مشترک نیروها که رفرم را بصورت دموکراتیک، در حالیکه ارزشهای اجتماعی را حفظ کند، انجام دهد.

## نشست

نمایندگان احزاب کارگری و کمونیستی  
منطقه مدیترانه، دریای سرخ و خاورمیانه

چهارمین کنفرانس احزاب کارگری و کمونیستی منطقه مذکور به میزبانی حزب کمونیست یونان از تاریخ جمعه اول خرداد تا یکشنبه سه خرداد در آتن برگزار گردید. در این نشست پراهمیت که پس از گذشت شش سال برگزار می گردید، نمایندگان احزاب کارگری و کمونیستی از عراق، اردن، فلسطین، ترکیه، بحرین، سوریه (حزب)، سودان، اسرائیل، قبرس، یونان و ایران شرکت داشتند. نمایندگان احزاب کارگری و کمونیستی از عربستان سعودی، کویت، عمان و مصر علیرغم تلاش فراوان به دلایل مختلف نتوانستند در این نشست حضور بهم رسانند. نمایندگان حزب سوسیالیست بلغارستان و سازمان احیای کمونیستی از ایتالیا نیز به عنوان ناظر در این نشست شرکت کردند.

کنفرانس ضمن سه روز کار به بررسی اوضاع جهان و منطقه پرداخت و قرارهای مشخصی را پیرامون گسترش کار و ایجاد هماهنگی بیشتر در منطقه به تصویب رساند. نماینده حزب توده ایران در سخنرانی\* خود در نخستین روز این کنفرانس، ضمن اشاره به برگزاری موفقیت آمیز سومین کنگره حزب، به بررسی اوضاع جهان و تحولات در منطقه پرداخته و نقطه نظرات حزب پیرامون این تحولات را به اطلاع شرکت کنندگان در کنفرانس رساند. وی سپس گزارشی از آخرین تحولات جامعه و مبارزه مردم کشورمان برای آزادی و دموکراسی به کنفرانس ارائه داد. کنفرانس پس از استماع سخنرانی های ارائه شده کمیته ای مرکب از نمایندگان حزب کمونیست یونان، حزب مردم فلسطین، جبهه آزادیبخش بحرین، حزب مترقی زحمتکشان قبرس (اکل) و حزب توده ایران برای تهیه و تدوین اسناد کنفرانس انتخاب نمود.

کنفرانس پس از سه روز بحث و تبادل نظر سند مفصلی پیرامون تحولات در جهان، از جمله علل فروپاشی کشورهای سوسیالیستی، تحولات در منطقه خاورمیانه و مبارزه نیروهای ترقی خواه در منطقه به تصویب رساند. کنفرانس همچنین در پایان کار خود يك بیانیه مطبوعاتی انتشار داد که به شکل وسیع در رسانه های گروهی یونان انعکاس یافت.

در سند پایانی کنفرانس، احزاب کارگری و کمونیستی منطقه، بار دیگر همبستگی پرشور و خلل ناپذیر خود را با مبارزه مردم کشور ما برای آزادی، دموکراسی و پایان دادن به رژیم "ولایت قتیبه" اعلام کردند. نماینده حزب توده ایران طی کنفرانس ضمن شرکت در مصاحبه های مطبوعاتی با نمایندگان رهبری هیئت های شرکت کننده از فلسطین، عراق، سوریه، بحرین، سودان، یونان، ترکیه و قبرس دیدار کرده و پیرامون مسایل مختلف به تبادل نظر پرداخت.

کنفرانس در پایان کار خود تصمیم گرفت که این نشست ها به صورت مرتب تری ادامه یافته و اقدامات عملی برای برگزاری گردهمایی وسیع تری از همه نیروهای مترقی در منطقه هرچه زودتر آغاز گردد.

\* (متن سخنرانی نماینده حزب توده ایران و سند نهایی کنفرانس در شماره های بعدی "نامه مردم" به چاپ خواهد رسید.)

## پیرامون

## "وحدت حوزه و دانشگاه"

روز "وحدت حوزه و دانشگاه" که همه ساله به بهانه سالگشت ترور دکتر متح برگرزار می شود، امسال نیز با سر و صدای بسیار فراوانی همراه بود و اهمیت زیادی به آن داده شد.

روزنامه ها به مدت یک هفته مطالب فراوانی در زمینه وحدت طلبه و دانشجوی نگاشتند. سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر مرکزی نمایندگان رهبری در دانشگاهها، بسیاری از نمایندگان مجلس، اعضای دولت و سرانجام مسولان طراز اول و از جمله "ولی قتیبه" در مورد "وحدت حوزه و دانشگاه" یا اعلامیه صادر کردند و یا بیاناتی "ایراد فرمودند".

با آنکه از این واقعه هفته ها می گذرد، اکنون پایان نمایش انتخابات چهارمین دور مجلس شورای اسلامی نشان داد که انگیزه برپا کردن این هیاهو چه بوده است؟ واقعیت را باید نخست در بی اعتبار شدن رژیم "ولایت قتیبه" در نظر مردم و اوج روزافزون موج ناراضیاتی همگانی جستجو کرد. اینک حیثیت اجتماعی رژیم به نازلترین سطح خود رسیده و گردانندگانش برای یافتن راه نجات، مذبوحانه دست و پا می زنند و به هر خس و خاشاکی چنگ می اندازند.

برای پی بردن به بی اعتباری رژیم "ولایت قتیبه" نزد روشنفکران و از جمله دانشجویان، نیازی به یاری گرفتن از حدسیات نیست، همه اشخاص و سازمانهای شرکت کننده در برگزاری مراسم، ناخودآگاه گوشه هایی از پرده را بالا زدند.

نمایندگان "مقام معظم رهبری" در دانشگاهها که بیش از دیگران در متن حوادث قرار دارند در بیانیه خود اعتراف کردند: "برخی بلندگوهای مشکوک در آرزوی مایوس ساختن طلاب و دانشجویان متعهد و انقلابی، چنین تبلیغ می کنند که همه ضعف ها ناشی از ناتوانی مدیریت کشور در دهه نخست انقلاب است و با ادعای انحصار مدیریت دهه اول انقلاب در دست حوزه ها می کوشند تجربه مدیریت روحانیون را شکست خورده اعلام نمایند".

دیده می شود که این "بلندگوهای مشکوک" درست روی نقطه ضعف اصلی رژیم خودکامه مذهبی انگشت گذاشته اند. چرا که بیگمان علت الملل همه ناکامیهای اقتصادی و فرهنگی در دوران "رهبری های پیامبر گونه امام خمینی" و بخصوص تبدیل پیروزی ایران در پیکار علیه عراق به شکست، اشتباهات مهلك روحانیون به سرکردگی خمینی است. "ولی قتیبه" پشت سرهم اشتباهات سرنوشت ساز می کرد، اما هیچکس جرأت و امکان نداشت "رهبر" را از طی این گمراه باز دارد و جلوی قاجمه را بگیرد. از اینجا روشن می شود که چرا منطق "بلندگوهای مشکوک" برای دانشجویان جاذب است. زیرا تکیه برواقتیات

دردناک و انکار ناپذیر دارد.

اینک بسیاری از روحانیون از آشکار شدن نقاط ضعفشان چنان وحشت زده شده اند که معلوم نیست برچه اساسی "بقا انقلاب و تحقق تمامی آن را متکی بر وحدت حوزه و دانشگاه" می بینند.

براستی این "وحدت" چه معجزه ای برای نجات رژیم می تواند بکند؟ اصولاً آیا وجوه مشترکی میان دانشگاه و حوزه (دانشجو و طلبه) وجود دارد که این دو را مجبور کند با یکدیگر وحدت تنگاتنگ و خاص - و نه وحدت عام در چارچوب وحدت ملی - داشته باشند؟

پس اگر روزی وحدت مورد نظر روحانیون میان این دو شیوه متضاد اندیشیدن و آموختن و زیستن عملی شود، خواه ناخواه به تغییر ماهیت یکی از آنها خواهد انجامید. یا دانشگاه شروع می کند به شیوه حوزه برای پرسش های علمی پاسنهای "عرفانی" بیابد، برای بیماران به جای تشخیص دقیق و تجویز داروی متناسب، استفاده از دعا و گرفتن ختم "امن جیبی" را توصیه کند و ... که حاصل آن عقب ماندگی باز هم بیشتر در همه عرصه های دانش های امروزی خواهد بود و یا اینکه حوزه شیوه های کاوش علمی و انتقادی دانشگاه را می پذیرد که در آن صورت باید به "ولایت قتیبه" بدرود گوید.

و تصادفی نیست که امروز در دانشگاهها، مجموعه فرهنگ و دانش حوزه های علمیه زیر علامت سؤال رفته است و همگان به این نتیجه رسیده اند که در بهترین حالت باید ققه رایج را کنار گذارد و ققهی جدید بنیان نهاد.

بدبینی و ناپاوری دانشگاهیان نسبت به حوزویان از سوی خود مایه واکنش در حوزه ها شده و کسانی در آنجا به نفی دانشگاه و دانشگاهی پرداخته اند!

اندیشه جدایی دین از حکومت که خمینی همیشه خطر آن را گوشزد می کرد، از نو در دانشگاهها و حوزه ها گسترش پیدا می کند. برخی از نویسندگان وابسته به حوزه برآنند که چهره دین در برابر دانش جدید بشری منفعل است و بهتر آنکه دین به مساجد بازگردد و حضورش در عرصه اجتماع و سیاست صوری باشد.

"وحدت حوزه و دانشگاه" نه زمینه علمی دارد و نه عملی. خود رژیم هم به آن باور ندارد.

تلاش مداوم روحانیون حاکم برای محدود کردن فعالیت های سیاسی و اجتماعی دانشجویان، تشکیل انجمن های دانشجویی فرمایشی به منظور ایجاد اختلاف در دانشگاهها و نظایر آنها نمایانگر این واقعیت است که دانشگاهها و دانشجویان روز به روز از رژیم نکبت بار "ولایت قتیبه" بیشتر فاصله می گیرند.

## تظاهرات اول ماه در میدان سرخ

اولین مراسم بزرگداشت اول ماه مه، سنت همبستگی بین المللی کارگران، در "روسیه جدید" بنحو با شکوهی به نمایش گذارده شد. در صبح روز اول ماه مه دهها هزار نفر تظاهر کننده کمونیست در میدان سرخ رژه رفتند. تظاهر کنندگان که به دعوت جنبش "تروداواپا راسیا" - کارگران روسیه - در مراسم شرکت کرده بودند، پرچم های سرخی که آرم داس و چکش بر خود داشت را تکان می دادند و سرودهای میهنی می خواندند. این کوششی موفق در زنده نگاهداشتن سنت بزرگداشت روز کارگر علیرغم سقوط اتحاد شوروی بود. در گذشته رهبران شوروی از فراز مقبره لنین تظاهرات را نظاره می کردند ولیکن امسال سکوی ویژه بطور مناداری خالی بود. گردهمایی دیگری که توسط مقامات شهر مسکو ترتیب داده شده بود با عدم استقبال مردم مواجه شد و موفقیتی در برنداشت. چند هزار نفر عضو اتحادیه های کارگری که صبح اول ماه مه به دعوت فدراسیون اتحادیه کارگری مسکو برای شرکت در یک فستیوال به پارک گورکی رفته بودند هنگام عبور تظاهرات "جنبش کارگران روسیه" از کنار پارک، به آن پیوستند و راهی میدان سرخ شدند. مراسم "ایدئولوژی زدایی شده" اول ماه مه، ترتیب داده شده از سوی مقامات رسمی مسکو در میدان مانژ ( در

مجاورت کرملین) نیز با شکست کامل روبرو گشت. تظاهرکنندگان در میدان سرخ که تعداد آنان بین ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر تخمین زده شده است، پلاکاردهایی در محکومیت دولت پلتنین و سیاست های اقتصادی وی حمل می کردند. بسیاری از تظاهر کنندگان تصاویر ولادیمیر ایلیچ لنین موسس دولت شوروا را حمل می کردند. در مقابل متناوبی شعار دسته جمعی "اتحاد شوروی، اتحاد شوروی" از سوی تظاهر کنندگان میدان سرخ را به لرزه در می آورد. در انتهای تظاهرات در میدان سرخ، تظاهر کنندگان به سخنرانی رهبران "جنبش کمونیستی نوین روسیه" گوش فرا دادند و در پایان در حالی که بلندگوها سرود ملی اتحاد شوروی را اجرا می کردند، شرکت کنندگان با نظم و ترتیب متفرق شدند. نقطه اوج مراسم، پیام فیدل کاسترو، رهبر و رئیس جمهور کوبای سوسیالیستی به کمونیست های گردآمده در میدان سرخ بود. پیام، ضمن تبریک به کارگران مسکو ایمان خود را به ادامه "دوستی بین دو خلق" ابراز داشته است. دهها هزار نفر کمونیست شرکت کننده در تظاهرات با شعار "کوبا آری - یانکی نه" حمایت خود را از کوبای سوسیالیستی اعلام داشتند.

## پیام همبستگی احزاب برادر به سومین کنگره حزب توده ایران

پیام همبستگی حزب دمکرات سوسیالیست آلمان

### کمیته مرکزی حزب توده ایران رفقای عزیزا

به مناسبت برگزاری سومین کنگره حزبتان، بنام رهبری حزب دمکرات سوسیالیست آلمان، صمیمانه ترین درودهای قلبی خود را می فرستیم و پیروزی حزبتان را در مبارزه اش برای دموکراسی، حقوق بشر و ترقی اجتماعی آرزو داریم. ما از مبارزه حزب توده ایران در راه صلح و دموکراسی در جبهه ای وسیع، بدون در نظر داشت تفاوت های سیاسی، عقیدتی و مذهبی، حمایت کرده و موفقیت شما را در این نبرد دشوار خواهانیم.

با همبستگی  
ناگسستنی گریگور گیزی

## موفقیت چشمگیر انتخاباتی حزب "بازسازی کمونیستی" در ایتالیا

نتایج انتخابات ۵ و ۶ آوریل در ایتالیا، زمین لرزه ای برای احزاب سنتی موجود و پیروزی بزرگی برای حزب "بازسازی کمونیستی"، که تنها سه ماه از عمر آن می گذرد، بود. پیش بینی شده بود که حزب جدید التاسیس کمونیست نتواند بیش از ۴/۳٪ آرا را به خود اختصاص دهد و در نتیجه از باقی ماندن در لیست دائمی انتخابات، که مستلزم به دست آوردن حداقل ۵ درصد آرا است، محروم شود. اما، در انتخابات این حزب توانست با به دست آوردن ۲/۲ میلیون رای، ۵/۶ درصد آرا مجلس و ۶/۵ درصد آرا سنای ایتالیا را به خود اختصاص دهد. در ماه دسامبر گذشته، هنگامی که حزب "بازسازی کمونیستی" بعنوان یک سازمان سیاسی تشکیل شد، تنها ۳۰۰،۰۰۰ عضو، نماینده مجلس و ۹ سناتور داشت. اما پس از انتخابات اخیر، این حزب ۲۰ سناتور و ۲۴ نماینده مجلس به دست آورده است. پس از انتخابات، "اومانیته"، ارگان حزب کمونیست فرانسه، مصاحبه ای با "سرگیو گاراوانی" رهبر حزب جدیدالتاسیس، که یک کارگر فلز کار و عضو فعال سندیکا است و در انتخابات اخیر به

نماینده مجلس انتخاب شده است، انجام داد. "گاراوانی" در این مصاحبه گفت: "ما پیروز شدیم ولی این پیروزی آسانی نبود. حزب ما از نظر مالی پشت در مضیقه بود. ما بدون پول نمی توانستیم جای حزب کمونیست سابق را بگیریم. ما فقط با تکیه بر اراده و از خود گذشتگی اعضای حزب کار خود را پیش بردیم". موضع سیاسی حزب تاکید بر لزوم اتحاد نیروهای چپ به منظور پیش بردن نیازهای عاجل برای تغییر جامعه است. او همچنین گفت که حزب با قراردادهایی که گروه های "سنتی" اتحادیه ای می بندند مخالف است زیرا این قراردادها فاقد "اشل متحرک حقوقی" که حقوق کارگران را منظم با سطح هزینه زندگی تطبیق می دهد هستند. به گفته او "قربانیان اصلی این قراردادها کارگران کم درآمد و غیر سندیکایی هستند. حزب "بازسازی کمونیستی" همچنین اقدام به تاسیس اتحادیه جدیدی بنام "فدراسیون متحده کارگران فلز کار" در ایتالیا کرده است که شمه های آن از هم اکنون در شهرهای میلان، ناپل و پالرمو آغاز به فعالیت و سازماندهی کارگران کرده اند.

## "پراودا"

### وفادار به سنت ها

در نیمه ماه اردیبهشت "پراودا"، روزنامه ای که توسط انقلابی سترک روسیه، ولادیمیر ایلیچ لنین در سال ۱۹۱۲ تاسیس شد، طی جشنی در مسکو هشتادمین سالگرد خود را برگزار نمود. سردبیر "پراودا" در این گردهمایی که نخست وزیر سابق شوروی، نیکلای ریشکف و عضو سابق هیئت سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ایگور لیکاجف در آن حضور داشتند، اعلام کرد که روزنامه دوران سختی را می گذراند ولیکن به سن درخشان خود وفادار خواهد ماند. "پراودا" از خوانندگانش برای ادامه کار تقاضای حمایت مالی نموده است.

### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

### کمک های مالی رسیده

رفقای برلین ۴۵۰ مارک  
رفیقی از کانادا ۵۰ دلار